

بیانات معظم له در دیدار شرکت کنندگان همایش بین المللی رسانه های جهان اسلام در حمایت از انتفاضه - 11 / بهمن / 1380

بسم الله الرحمن الرحيم

به همه برادران عزیز خوشامد عرض می کنم و امیدوارم که گردهمایی شما برای عالم اسلام، بخصوص برای مردم مظلوم فلسطین، برکاتی داشته باشد.

دو مطلب را عرض می کنم: یک مطلب درباره مسأله فلسطین - که امروز مهمترین مسأله جهان اسلام است - و مطلب دیگر در باب رسانه ها و نقش و مسؤولیت آنهاست.

باید شک نکنیم که این روزها، روزهای سرنوشت سازی برای فلسطین است. البته فلسطین صحنه درگیریهای اسلام و دشمنانش در طول تاریخ ما بوده و در صد سال اخیر - بخصوص در پنجاه سال اخیر - خط مقدم مبارزه با دشمنان اسلام بوده است. در واقع می شود فلسطین را تابلویی از حوادث مهم تاریخ اسلام در قرنهای متمادی دانست. ولی آنچه که امروز در فلسطین می گذرد - با توجه به جوانب قضیه - تقریباً استثنایی است. اولاً فشارهایی که امروز بر مردم فلسطین وارد می آید، بی سابقه است؛ ثانیاً فداکاری و مبارزه جانانه ای هم که امروز مردم فلسطین می کنند، بی سابقه است. ما هرگز ملت فلسطین را با این جدیت، با جسم و جان و مال و فرزند و عزیزانشان در صحنه مشاهده نکرده ایم. این خصوصیت مربوط به این انتفاضه مبارک است.

البته امریکا و بسیاری از کشورهای غربی از اسرائیل حمایتی بی دریغ و آشکار می کنند و میثاقهای بین المللی را زیر پا می گذارند و یک بار دیگر برای همه دنیا به اثبات می رسد که نگاه قدرتهای بزرگ به معاهدات و مجامع بین المللی، یک نگاه ابزاری است. آنها از این معاهدات و از این مجامع بین المللی، فقط در جهت منافع و هدفهای خود استفاده می کنند و برای معاهدات و مجامع مذکور، احترامی قائل نیستند. یقیناً اسرائیل بدون پشتیبانی اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی و رسانه ای قدرتهای بزرگ، امروز و همیشه، نمی توانست و نمی تواند بر سر پا بماند. مجرم در این قضیه، فقط اسرائیل نیست؛ در درجه اول، امریکا هم در همه فجایع اسرائیل شریک جرم است.

غرب و قدرتهای غربی، از آغاز پیدایش غده سرطانی صهیونیسم در این منطقه، تعامل دوجانبه ای را با هم داشتند. وظیفه اسرائیل این بوده است که منافع قدرتهای متجاوز غربی را در منطقه اسلامی حفظ کند؛ یعنی همیشه روبه روی کشورهای اسلامی و کشورهای منطقه، تهدید دائمی بالفعلی قرار داشته باشد و کشورهای اسلامی را در یک دغدغه دائمی نگه دارد تا آنها نتوانند با هم متحد شوند و یک مجموعه همدل و همجهت را به وجود آورند و از امکانات و ثروت و نیروی انسانی خود برای منافعشان استفاده کنند. متقابلاً وظیفه آنها هم این بوده است که این غده سرطانی را در این منطقه با همه وجود نگه دارند. البته امروز این نقش بیشتر از همه برعهده امریکاست.

در آغاز پیدایش این مشکل و مصیبت بزرگ برای دنیای اسلام، غفلتهایی صورت گرفت و تدبیر درستی برای مقابله با این مشکل دیده نشد و به کار نرفت. البته شخصیهایی برجسته ای در فلسطین و بیرون از فلسطین بودند که نباید زحماتشان نادیده گرفته شود - از قبیل مرحوم عزالدین قسام، مرحوم حاج امین الحسینی، مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء - همه اینها خطر وجود دولت و حکومت صهیونیستی را در این منطقه شناختند و آن را گوشزد کردند و مبارزاتی انجام دادند؛ لیکن دنیای اسلام و موظفان دنیای اسلام نتوانستند نقش خود را درست ایفا کنند؛ لذا در مبارزه مردم فلسطین با این پدیده بسیار خطرناک، افت و خیزهایی در طول زمان وجود داشته است.

ولی مبارزه امروز دو خصوصیت دارد که در هیچیک از زمانها این دو خصوصیت در مبارزات فلسطینیها و مبارزه برای فلسطین، با هم وجود نداشته است: یک خصوصیت، اسلامی بودن این مبارزه است؛ و خصوصیت دوم، مردمی شدن و همه گیر شدن آن است. اجتماع این دو خصوصیت با هم، زانوان رژیم صهیونیستی را به لرزه درآورده است. احساس خطر در سراسر کیان صهیونیستی وجود دارد. می فهمند و درست تشخیص می دهند که خطر عمده و اساسی، امروز به وجود آمده است. کسی که امروز در مقابل کیان صهیونیستی قرار گرفته، یک گروه نیست؛ شخصیهایی سیاسی ای

نیستند که بشود پشت میز مذاکره آنها را مجاب کرد. شما می دانید که پشت میز مذاکره، با شیوه های گوناگون می شود افراد را مجاب کرد - با تهدید، تطمیع و وعده های دروغ - اما وقتی مبارزه در دامن ملت افتاد و خودآگاهی در میان مردم به وجود آمد و آنها با همه وجود احساس کردند که وظیفه دارند در مقابل وضعیت بایستند، والا یکسره نایب و پامال خواهند شد؛ از طرفی هم هنگامی که تدبیر مبارزه، از ایمان اسلامی سرچشمه گرفت و به دلها و جانها متکی شد، در این صورت، مبارزه برای دشمن، بسیار خطرناک می شود. امروز چنین وضعی پیش آمده است.

سردمداران رژیم مستکبر امریکا هم به همین دلیل عصبانی اند و باطن خود را نشان می دهند. آنچه در دل آنها وجود دارد و همیشه پشت پرده های ضخیم ریاکاری، آن را پنهان می کنند، امروز در اظهاراتشان نشان داده می شود. امروز امریکاییها نه فقط از رژیم سفاک صهیونیستی، بلکه از جنایتهای صریح آن هم بدون هیچ پوشش و شرمی حمایت می کنند. فقط مسأله ترور نیست؛ یک جنایت بزرگ و آشکار صورت گرفته است؛ از این حمایت می کنند؛ از آوردن تانکها در کوچه ها و خیابانها حمایت می کنند؛ از ویران کردن خانه های مردم حمایت می کنند. این باطن رژیم استکبار است. «استکبار»ی که در واژه های انقلاب اسلامی تکرار می شود، یعنی این.

حماس و جهاد اسلامی و حزب الله را به عنوان تروریست معرفی می کنند. چرا؟! مگر اینها چه کرده اند؟! جرم اینها این است که از شرف و میهن و خانه و مردم خود دفاع کرده اند. میل امریکاییها این است که اسرائیل با جلا دادن خود، بچه های کوچک؛ بچه هایی مثل پسر این مرد را جلو چشم پدرانشان به قتل برساند و کسی اعتراض نکند، چیزی نگوید، در صدد پاسخ برنیاید و خشمگین نشود. گناه حماس و جهاد اسلامی و حزب الله لبنان و همه مبارزان حقیقی صحنه نبرد فقط این است که در مقابل این گونه تجاوزات قساوت آمیز و کم نظیر، به پاسخ عملی دست می زنند و اقدام می کنند. جرم جمهوری اسلامی هم این است که آشکارا و صریح از حق و عدالت دفاع می کند. ما هرگز دفاع از حق و عدالت را به خاطر میل دل قدرتهای استکباری کنار نگذاشتیم. ما هرگز در این زمینه، سازش و ریاکاری نکردیم. ما صریح حق و عدالت را مطرح و از آن دفاع کردیم. این جرم ماست.

امریکاییها باطن خود را نشان دادند. رئیس جمهور امریکا در نطق اخیرش، مثل کسی حرف می زند که تشنه خون انسانهاست! کشورها و ملتها را تهدید و متهم می کند. همه دنیا می دانند که شیطان بزرگ، امریکاست؛ این یک حرف متکی به دلیل است. این عنوان «شیطان بزرگ» برای امریکا، یک نامگذاری بی دلیل نبود. شما به تاریخ سی، چهل سال گذشته نگاه کنید؛ بیشترین کار شکنی را نسبت به نهضتهای مردمی و مستقل، امریکا کرده است. بیشترین ترور شخصیتها، مؤمن پاکدامن را در دنیا، دستگاه جاسوسی سیای امریکا کرده است. بیشترین حمایت را از رژیمهای ضد مردمی در دنیا، امریکا کرده است. بیشترین فروش اسلحه و سلاحهای مرگبار را در دنیا امریکا کرده است.

بیشترین چپاول و غارت را نسبت به ثروتهای ملتها، امریکا کرده است. اینها شیطنت است؛ پس بزرگترین شیطانهاست. البته این کارها را شیطانهای دیگری هم در دنیا می کنند، اما هیچکدام به شیطنت امریکا نیستند؛ پس او حقا شیطان بزرگ است. این شیطان بزرگ که همه ملتها - نمی گویم همه دولتها و حکومتها - شیطنتش را قبول دارند، جمهوری اسلامی را به شیطنت متهم می کند! ما افتخار می کنیم که منفورترین شیطانهای دنیا، با ما با این لحن حرف بزند. ما از تعریف و تجلیل سردمداران رژیم امریکا هرگز خشنود نمی شویم. او مسؤولان کشور ما را متهم می کند که منتخب مردم نیستند! در جمهوری اسلامی، همه سران کشور، منتخبان ملتند؛ آن هم نه یک انتخاب خشک و صرفاً برای این که کاری کرده باشند؛ یک انتخاب حداکثری مطلق و همراه با عواطف شدید است. این بی تجربگیها و بی معرفتیهای نسبت به حقایق ملتها، همان چیزهایی است که امریکا تا به حال سیلی و چوب آنها را خورده و بعد از این هم خواهد خورد. مسؤولان بی تجربه امروز امریکا، کشور بزرگ خود را با این حرفها و با این کارها لحظه به لحظه به لبه پرتگاه سقوط نزدیکتر می کنند. اینها از معنویت و انسانیت و حقوق انسانی بویی نبرده اند. با ملتهای مظلوم، اگر بتوانند، در نهایت شدت و خشونت عمل می کنند. با ملتهایی که در مقابل آنها تسلیم نشوند و به زانو در نیایند؛ اگر بتوانند، همان کاری را می کنند که امروز رژیم صهیونیستی با مردم فلسطین می کند. ولی نمی توانند و در ارزیابی قدرت خود هم اشتباه می کنند.

رژیم صهیونیستی با پشتیبانی امریکا - دو عنصر به کلی دور از معنویت و حقیقت و عدالت و انسانیت - در صدد

است ملت فلسطین را به زانو درآورد و او را وادار کند که حرف حق خود را بر زبان نیاورد و پس بگیرد؛ و البته نخواهد توانست. خصوصیت مبارزه امروز و انتفاضه فلسطین این است که ملت فلسطین به معنای حقیقی کلمه به پاخاسته است.

به نقش رسانه ها و تبلیغ می رسیم. این صحنه مبارزه، یک صحنه عمومی است. هر کس به قدر توانایی خود در سرتاسر دنیای اسلام وظیفه ای دارد و باید نقشی ایفا کند. امروز دنیا، دنیای رسانه ها و تبلیغ و تبیین است. امروز در مقابل شما امپراتوری خبری دشمنان دنیای اسلام قرار دارد که غالباً در کنترل صهیونیستهاست. امروز یک اتوبان یکطرفه خبر و تحلیل از طرف رسانه های خبری به سمت افکار عمومی دنیا - از جمله افکار عمومی کشورهای عربی و اسلامی و خود مسلمانان - جاری است. صهیونیستها از آغاز شروع کار خود، به سمت رسانه های خبری و تبلیغی رفتند. یکی از سیاستهای آنها این بود که رسانه های تبلیغی دنیا را قبضه کنند. امروز این گونه است. آنها از اول کار، یک شگرد تبلیغی را انتخاب کردند که بسیار مهم و تعیین کننده بود و تا امروز تأثیرگذار بوده است؛ آن شگرد تبلیغی عبارت است از مظلوم نمایی. برای مظلوم نمایی، داستانها و افسانه های فراوانی جعل شد؛ خبرهایی ساخته شد و تلاشهای بی وقفه ای انجام گرفت. امروز هم در نهایت سقاک، باز همان تبلیغات ادامه دارد؛ یعنی باز هم مهمترین کار صهیونیستها در دنیای تبلیغات، مظلوم نمایی است. اینها مسأله نگرانی روانی یهودیان را مطرح کردند و گفتند چون یهودیان در طول قرنهای متمادی زیر فشار بودند، از لحاظ روانی دچار نگرانی اند و به امنیت روانی احتیاج دارند. صهیونیستها در مذاکرات با سران کشورهای غربی و بعدها در گفتگوهای خود با کشورهای اسلامی و عربی، مسأله امنیت روانی را مطرح کردند و گفتند ما به امنیت روانی احتیاج داریم و باید امنیت روانی ما تأمین شود. این امنیت روانی یعنی چه؟ هیچ معنای مشخص و هیچ پایانی ندارد. هر اقدامی خواهد انجام بگیرد، اگر به سودشان نباشد، به بهانه امنیت روانی، می توانند آن را خنثی کنند. بسیاری را در دنیا قانع کردند که به امنیت روانی احتیاج دارند و باید امنیت روانی آنها تأمین شود.

برآوردن نیاز اسرائیل در مورد امنیت روانی، مشکلتر است از چشم پوشیدن از سرزمین. شما وقتی سرزمین را از دست می دهید، می دانید چه چیزی را از دست دادید؛ اما وقتی می خواهید خواسته اسرائیل را در مورد امنیت روانی برآورده کنید، نمی دانید تا کجا باید تسلیم شوید و تا کجا باید امتیاز بدهید. این امتیاز دهی، پایانی ندارد؛ مرتب باید امتیاز داد. تجربه اروپا در این مورد، عبرت آموز است. دولت آلمان صد و پنجاه میلیارد مارک به عنوان خسارت به یهودیان داد؛ اما خسارت یهودیان از آلمان هنوز تمام نشده است؛ باز هم خسارت طلبکارند و باید به آنها داده شود! آنچه یهودیان با آلمان کردند، کم و بیش با برخی کشورهای اروپایی دیگر - مثل اتریش، سوئیس، فرانسه، حتی تا چند سال قبل با اتریکان - نیز انجام دادند. همه باید خسارت بدهند؛ این خسارت تمام شدنی نیست! در بعد روانی، اسرائیلیها فعالیتها بسیار مهمی دارند. همه سیاستمداران، خبرنگاران، روشنفکران، کارگزاران و نخبگان غرب باید در مقابل بنای یادبود کوره آدم سوزی سر تعظیم فرود بیاورند؛ یعنی همه، داستانی را که اصل صحت آن معلوم نیست، مورد تأکید قرار دهند و خود را بدهکار آن داستان قلمداد کنند. اینها روشهایی است که در تبلیغ دارند و همه معطوف به «مظلوم نمایی» است.

البته در بخش دیگری از دنیا، با تکیه بر داستانهای ذکر شده در تورات و این که این جا سرزمینی است که به فرزندان اسرائیل بخشیده شده، بسیاری از مسیحیان را هم با خود همفکر و همدل کردند. آن طوری که من در آماري ملاحظه کردم، اینها توانسته اند در برخی کشورها - از جمله عمدتاً در امریکا - به عنوان پشتوانه افکار عمومی، با همین تبلیغات، میلیونها صهیونیست غیر یهودی درست کنند! اینها سالهاست که این کار تبلیغاتی را می کنند. امروز هم با شدت هر چه تمامتر همین تبلیغات در دنیا ادامه دارد.

البته از حوادثی هم که پیش آمد - مثل حادثه بیستم شهریور (یازده سپتامبر) در نیویورک و واشنگتن - حداکثر سوء استفاده را کردند و توانستند مسأله فلسطین را از متن قضایای دنیای اسلام به حاشیه برانند. از این جهت هم صهیونیستها صددرصد مورد کمک امریکا قرار گرفتند. اما در مقابل، هیچ کس حق ندارد و نباید در کشورهایی که ادعای آزادی می کنند، آتش زدن زندگی زنان و کودکان فلسطینی را مورد سؤال و اعتراض قرار دهد و قساوتهایی را

که امروز علیه ملت فلسطین به کار می رود، ذکر کند.

با توجه به این روش تبلیغی و شناخت روانی ای که انسان از دشمن پیدا می کند، مجموعه مسؤولان و کارگزاران رسانه های کشورهای اسلامی باید مسؤولیت خود را احساس و راه خود را تنظیم کنند. این یک کار حیاتی و مهم است. امروز نه فقط برای ملت فلسطین، بلکه برای دنیای اسلام، این یک کار حیاتی و یک وظیفه سنگین است. به عنوان یک مثال، من تجربه جنوب لبنان را - که دوستان در جریان آن هستند - به عنوان یک الگو می توانم مطرح کنم. مؤمنین و جوانان مبارز لبنان توانستند از اهرم و عامل تبلیغات به بهترین وجه و به صورت شایسته، در حرکت عظیمی که علیه صهیونیستها کردند، استفاده کنند؛ توانستند عنصر مقاومت و فداکاری را به دنیای اسلام درست منعکس کنند؛ به این ترتیب است که دشمن به ستوه می آید. همه دنیای اسلام فهمید که مقاومت در جنوب لبنان چه می کند و چه کار می خواهد بکند و هدفش چیست. در آن جا تبلیغات به شیوه خوب و درستی به کار رفت. خودی روحیه پیدا کرد، دشمن روحیه اش ضعیف شد و به ستوه آمد. این کاری است که ما همیشه باید بکنیم. دنیای اسلام همیشه در حال مبارزه و مورد حمله است. این قطعه ای از بدن دنیای اسلام است که امروز در چنگال صهیونیستهاست؛ شب و روز به آن حمله می کنند؛ لذا باید از رسانه ها حداکثر بهره برداری به نفع این قضیه به عمل آید.

لازم است برای استراتژی تبلیغی علیه صهیونیستهای غاصب، یک طراحی بنیادین صورت گیرد. این که ما به صورت تاکتیکی در هر موقعیتی بخشی از مظلومیتها را بیان کنیم، کافی نیست. باید یک راهبرد عمومی، تبلیغی در همه دنیای اسلام به صورت مشترک تعیین و به آن عمل شود.

ما رسانه های بزرگ دنیا را در اختیار نداریم؛ اما آنچه را هم که در اختیار داریم؛ چیز کمی نیست. ما باید از سرمایه و موجودی خود - که متعلق به دنیای اسلام است - حداکثر استفاده را بکنیم. همه در این زمینه مسؤول و موظفند. روشنفکران و سیاستمداران و شاعران و نویسندگان و هنرمندان و دانشگاهیان مسؤولند. اینها قشرهای اثرگذارند؛ اینها کسانی اند که می توانند رسانه ها را به درستی تغذیه کنند. شما که در این جا جمع شده اید، همین اجتماعتان یک حادثه بزرگ است. در این اجتماع، شما می توانید این را پایه ای برای یک حرکت هماهنگ رسانه ای در همه دنیای اسلام قرار دهید. این کار ممکن است. چرا ما از ابزارهای خود استفاده نمی کنیم؟

بسیاری از نویسندگان و روشنفکران دنیای اسلام به سردمداران برخی از کشورهای اسلامی و دولتهایی که رفتار مناسبی در مقابل صهیونیستها ندارند، اعتراض می کنند و می گویند چرا از نفت و ثروت و از امکان سیاسی خود علیه صهیونیستها استفاده نمی کنید؟ البته این اعتراض وارد است و به نظر ما این اشکال، اشکال درستی است؛ اما عیناً می شود همین سؤال را در دنیای روشنفکری، نویسندگی و دنیای دانشگاهها مطرح کرد: چرا از سرمایه عظیم علمی و روشنفکری، چنان که باید و شاید، استفاده نمی شود؟ گاهی یک شعر و یک قصیده تأثیری می گذارد که بسیاری از پولها و ثروتها نمی تواند آن اثر را به وجود آورد. یک روز یک شاعر فلسطینی قصیده ای گفت و دلتهای دنیای عرب را به شورش وادار کرد - این مربوط به سال 67 یا 68 است - گاهی یک شگرد خوب رسانه ای یا یک حرکت هماهنگ تبلیغاتی، از بستن شیرهای نفت اثرش بیشتر می شود.

آنچه که ما امروز احتیاج داریم، این است که کسانی که مشغول مبارزه هستند، روحیه پیدا کنند و بدانند آینده آنها امیدبخش است. متأسفانه گاهی عکس این دیده می شود. دستگاههای تبلیغاتی غرب تلاش می کنند تا این امید را در هم بشکنند. در همین ماههای اخیر که انتفاضه حداکثر احتیاج را به حمایت و کمک داشت، دیده شد که در دنیای اسلام بعضی از قلمها به مطالبی کشانده شد که برای انتفاضه سم بود. از ناتوانی و ضعف انتفاضه حرف زدند؛ اینها سم است. معنای این مطالب این است که ملت فلسطین هیچ راهی جز تسلیم و به خاک افتادن در مقابل صهیونیستها ندارد.

البته آمریکا و اسرائیل هم به چیزی کمتر از تسلیم مطلق فکر نمی کنند، اما آنها دشمنند و البته اشتباه می کنند. این چیزی است که پیش نخواهد آمد. آنها جز به تسلیم مطلق از طرف فلسطینیها قانع نیستند؛ رفتار آنها با طرف فلسطینی، یک بار دیگر این را ثابت کرد. آنها حاضر نیستند هیچ امتیازی به طرف فلسطینی بدهند. آنها می خواهند

از طرف فلسطینی هم به عنوان یک ابزار برای نابود کردن انتفاضه فلسطین استفاده کنند. به کمتر از این قانع نیستند. ما نباید به تسلیم کردن و نومید کردن ملت فلسطین کمک کنیم؛ ما باید حقیقت را بیان کنیم. حقیقت، امید و افق تازه و به لرزه درآمدن زانوان صهیونیستها و محتاج شدن و مستأصل شدن قدرتهای حامی صهیونیستها در مقابل حرکت عمومی ملتی است که متکی به ایمانش حرکت می کند. آن ملتی که یکپارچه حرکت می کند و به ایمان خود متکی است، شکست پذیر نیست. ما باید این حقایق را برای ایجاد امید بیشتر در دلهای کسانی که وسط میدان و صحنه اند، روشن کنیم و زمینه روانی مقاومت را فراهم نماییم. وظیفه رسانه ها این است که کاری کنند تا زمینه روانی مقاومت پیدا شود.

امروز در دنیا رسانه های صهیونیستی تجاوزهای مکرر و همه روزه اسرائیل را به صورت گذرا مطرح می کنند. اگر می توانستند همین را هم مطرح نکنند، نمی کردند؛ منتها مصالح رسانه ای آنها ایجاب می کند که مطرح کنند؛ ولی خیلی گذرا، خیلی سطحی، خیلی ناقص و گزینشی؛ اما عملیات فلسطینیها را که دفاع از وجود و شرف و میهن و سرزمینشان است، طوری منعکس می کنند که گویا اسرائیل مظلوم است! مظلوم واقعی را که ملت فلسطین است، تروریست و جنایتکار جلوه می دهند؛ اما متجاوز سقاک جنایتکار را مظلوم نشان می دهند. امروز رسانه های دنیا این کار را می کنند؛ سیاستمدارها هم در اظهارت خود، همین حرفها را تکرار می کنند.

سیستم رسانه ای اسلام و سیستم رسانه ای عرب باید طوری رفتار کند که معنایش این نباشد که از معرکه دور است. شما وسط میدانید؛ چه بخواهید و چه نخواهید. امروز، روزی است که هر اقدام ما، در آینده تاریخ اثر می گذارد و ثبت خواهد شد. ما امیدواریم که همه دنیای اسلام این قضیه را با همه ی ابعادش به روشنی درک کند و بر طبق آنچه وظیفه اوست، عمل کند.

امیدواریم خدای متعال برکات و فضل خود را بر ملت فلسطین و بر دنیای اسلام نازل کند و آنها را مشمول لطف و نصرت خود قرار دهد. ما آفاق را روشن می بینیم. ما با ایستادگی، آینده خوبی را برای دنیای اسلام و فلسطین پیش بینی می کنیم. ما معتقدیم که مرگ دنیای اسلام و ذلت و تحقیر نهایی او روزی است که در مقابل فزون طلبی استکبار و صهیونیسم عقب بنشیند و تسلیم آن شود. امیدواریم خداوند چنین روز و چنین وضعیتی را هرگز برای دنیای اسلام پیش نیاورد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته